



برخال قومیت؛ کوششی نظری بر تحلیل قومیت

بهرام بیات^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳

چکیده

قومیت، سازه‌های نظری در علوم انسانی و اجتماعی است که همواره در رشته‌های این علوم مورد تحقیق و واکاوی قرار گرفته است. با وجود انباشت قابل توجه تأملات نظری و تحقیقات علمی و عملی در این حوزه‌ها، همچنان تبیین‌گران و اندیشه‌ورزان با مسائل و مجهولات زیادی مواجه هستند. یکی از حوزه‌های انباشتی، سؤال از چگونگی و نحوه تبیین نظری قومیت است که در مقاله حاضر مورد توجه قرار گرفته است. برای پاسخ به دغدغه مقاله، محقق ضمن توجه به نظریه‌های مطرح و با قابلیت بازگفت مناسب شامل نظریه‌های کلاسیک، نظریه‌های مدرن و نظریه‌های پست‌مدرن، نقاط قوت و ضعف آن‌ها را استخراج و با عطف توجه به ماهیت و خاصیت جامعه ایرانی، با تأکید بر رویکرد «اصل‌گرایی» نسبت به اقوام ایرانی، نظریه خود را با عنوان «برخال قومیت» ارائه نموده است. دال مرکزی نظریه برخال قومیت، بر این گزاره بنا شده است که «اقوام ایرانی از حیث درون‌گفتمانی ماهیتی برخالی و خاصیتی وحدت‌گون و از حیث ساختار و شکل‌نمایه‌ای خاصیتی کثرت‌گون دارند.» از این رو در نظریه برخال قومیت به ده اصل به‌عنوان شاکله و محورهای اصلی مورد بحث شامل: «وحدت‌درکثرت»، «خودهمانندی»، «هم‌زمانی تکامل»، «خودمانایی»، «جایگزینی»، «قوانین ساده‌بنیاد»، «تداوم و استمرار»، «پویایی و تاریخ‌مندی»، «حافظه‌مندی» و «همزیستی» پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: قومیت، برخال، فراکتال، خودهمانندی و همزیستی

مقدمه و بیان مسئله

اصطلاح قومیت به گروهی اشاره دارد که با ویژگی‌های بنیادی از قبیل زبان، آداب و رسوم و میراث تاریخی، از سایر گروه‌های اجتماعی که دارای پیوستگی و همبستگی نژادی هستند، متمایزند. «ویکتور کوزلف» قوم‌شناس شهیر می‌گوید: «قوم یا همبودی قومی، یک سازمان اجتماعی شکل یافته‌ای است که در پهنه سرزمین معین قرار دارد و مردمی را که در طول تاریخ باهم پیوندهای اقتصادی، فرهنگی، خویشاوندی و ... برقرار کرده‌اند، تحت پوشش قرار می‌دهد» (دزم خوی، ۱۳۸۰).

مفهوم قومیت در دهه ۱۹۶۰ میلادی به دنبال شکل‌گیری دولت‌های ملی در کشورهای مستعمره سابق، در نتیجه کاهش قدرت نظامی اروپای غربی پس از جنگ جهانی دوم ظاهر شد؛ اما نخستین بار و در سال ۱۹۵۲ توسط «الفرز سوری»، جمعیت‌شناس فرانسوی مفهوم قومیت و قوم‌گرا در مقابل مفهوم ملیت قرار گرفت. این پدیده اجتماعی-سیاسی به گونه‌های مختلف تعریف شده است؛ و از مشخصه‌هایی همچون نام مشترک، سرزمین و زبان مشترک، فضاها، مشترک زیستی، آداب و رسوم، ارزش‌ها و احساسات مشترک و ... سخن به میان آمده است. و تاکنون چندین کتاب و مقاله درباره درگیر شدن گروه‌های مختلف زبانی، مذهبی، نژادی و ... در فعالیت‌های سیاسی-نظامی با دولت‌های مرکزی منتشر شده است. این مسئله بعد از پایان جنگ سرد در کشورهای هم‌چون روسیه، یوگسلاوی سابق، افغانستان، عراق و تا حدودی ترکیه و کشورمان ایران به وقوع پیوسته است. مسئله قومیت و استفاده ابزاری از آن توسط گروه‌های ناسازگار و قدرت‌های سلطه‌جو و چالش‌های برخاسته از آن به‌عنوان یک جریان ضد امنیتی قابل توجه است (مختارزاده، ۱۳۸۳: ۲۴).

نگاهی به تاریخ ایران اسلامی نشان می‌دهد که قومیت‌ها همواره در متن و بطن تحولات تاریخی ایران قرار داشته و همواره به‌عنوان ساختاری قابل اعتنا برای کشور در نظر گرفته شده‌اند. نمونه آخر این تحولات تاریخی، حمایت قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای از حمله رژیم بعث عراق به ایران و جنگ تحمیلی هشت‌ساله بود که با نگاهی به نقش‌شناسی اقوام می‌توان دید چگونه هریک از اقوام کشور با مشارکت جانانه و همه‌جانبه توانستند در دفاع از ارزش‌های خود، سنگ تمام بگذارند. مقام معظم رهبری اعتقاد دارند که: «همه اقوام ایرانی به ایران و جمهوری اسلامی علاقه‌مندند و ایران را میهن خودشان می‌دانند. ... اقوام ایرانی مسلمان‌اند و به این آب‌و خاک

دل‌بسته‌اند؛ و عزت و رفاه خودشان را در ایران سربلند و آزاد مشاهده می‌کنند» (در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۴/۱۹).

موضوع اقوام ایرانی بنابر ماهیتی ذاتی خود، همواره به‌عنوان یک فرصت بی‌نظیر برای کشور و حراست از ارزش‌های اساسی و منافع حیاتی نظام مطرح بوده است. این فرصت‌انگاری اقوام، علاوه بر متن تاریخ و ادبیات ایران در نقاط عطف تاریخی نیز خود را نشان داده است.

اصل‌گرایی

اصل‌گرایان، قومیت را ناشی از پیوندها و احساس‌های اصیل و حتی ذاتی و طبیعی می‌دانند که فراتر از مقاطع زمانی قرار می‌گیرد و می‌توان گفت همواره وجود داشته است.

ابزارگرایی

در این گرایش، قومیت مفهومی ذاتی و طبیعی و حتی لزوماً نوعی اشتراک در باورهای ذهنی در درازمدت به‌حساب نمی‌آید، بلکه نوعی وسیله یا ابزار شمرده می‌شود که برای دستیابی به هدف‌های عمدتاً سیاسی و اقتصادی به کار می‌رود.

با این نگرش، بحث قومیت در بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای اروپایی همواره با پارادایم دوم یعنی پارادایم ابزارگرایی قابل تبیین است. به‌عنوان مثال در کشوری مثل فرانسه که با مسئله اقوام دست‌به‌گریبان هستند و بسیاری از اقوام در طی اوایل قرن بیستم تا دهه ۸۰ میلادی از مناطق مختلف جهان از آفریقا تا آسیا به این کشور مهاجرت نمودند نقش آن‌ها در واقع ابزاری و برای تأمین نیروی انسانی و جبران کاهش باروری بود. این‌گونه اقوام ذاتاً فرانسوی نبوده و نیستند؛ به همین جهت در فرانسه اقوام به دو گونه اقوام «فرانسوی» و «غیر فرانسوی» تقسیم می‌شوند و اقوام غیر فرانسوی همواره تهدیدی برای امنیت ملی فرانسه محسوب شده‌اند. در ادبیات امنیتی فرانسه از مفهومی تحت عنوان «امنیت اجتماعی شده» سخن به میان آمده است که بر مفهوم هویت بنیان گذاشته شده است. اما در ایران اقوام ماهیتی ذاتی دارند؛ در واقع ویژگی اقوام در ایران «الوانی-فراکتالی» است یعنی هریک از اقوام ایرانی تمام ویژگی‌های ایران فرهنگی را دارا هستند. در ایران نمی‌توان از اقوام ایرانی و اقوام غیر ایرانی سخن به میان آورد و این امر دلیل تلقی اقوام ایرانی به‌عنوان فرصت است.

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بر فرصت‌بودن اقوام در ایران تأکید جدی دارند. از نظر ایشان: «اکثر کشورهای دنیا با مقوله تنوع اقوام مواجه هستند و معمولاً در کشورهای مختلف تعدد اقوام و قومیت‌ها یکی از نگرانی‌های آنهاست؛ در کشور ما به‌عکس است، تنوع اقوام را ما برای کشورمان یک فرصت به حساب می‌آوریم. حقیقتاً برای ما تنوع اقوام یک فرصت است» (دیدار با در دیدار برگزیدگان استان کردستان؛ ۱۳۸۸/۲/۲۴).

مسئله اصلی در حوزه قومیت‌ها نوع نگرش است که می‌تواند سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های سطوح مختلف را جهت دهد. بر این اساس، نگرش تهدیدمحور و ابزارگرایانه که متأسفانه در سطوحی از جامعه گسترش یافته است می‌تواند مشکلات بسیاری را در حوزه‌های مختلف به‌ویژه در حوزه امنیتی ایجاد نماید؛ اما اگر قومیت با نگرشی الوانی - فراکتالی مورد تبیین و واکاوی نظری قرارگیرد در این صورت با رویکردی اصل‌گرایانه، موقعیت قومیت‌ها در ایران از ساحت «تهدید» به ساحت «فرصت» انتقال یافته و با جریان این بنیان نظری در سطوح مختلف ظرفیت اقوام در راستای ارتقای منابع و زیرساخت‌های منافع ملی و امنیت ملی جهت‌دهی می‌گردد. در این پژوهش از روش تحلیلی - اسنادی استفاده شده است. بر این اساس اسناد تاریخی و مکتوب مربوط به موضوع، بررسی و مقوله‌های موردنظر در راستای رسیدن به پاسخ‌های متقن به سؤال‌های مطرح شده استخراج و جمع‌بندی شده است.

تعریف مفاهیم

قوم

قوم به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که به یک فرهنگ، زبان و آداب‌ورسوم تعلق داشته و از این طریق شناخته شوند (قاسمیان، ۱۳۸۰: ۲۵). قوم، اجتماعی از افراد است که دارای «منشأ مشترک» (اعم از واقعی یا خیالی)، «سرنوشت مشترک»، «احساس مشترک» و «انحصار نسبی منابع ارزشمند مشترک» (پاداش، زور، احترام و معرفت) می‌باشد که در ارتباط با سایر گروه‌ها و اقوام، براساس رموز و نمادهای فرهنگی مشترک در یک میدان تعامل درون‌گروهی با کسب هویت جمعی، مبدل به «ما» می‌شوند (چلیبی، ۱۳۸۷: ۱۲۱).

قومیت

قومیت را برخوردار از منشأ، نژاد، تاریخ، سرزمین، فرهنگ، دین، ادبیات، موسیقی، زبان، دایره همسرگزینی، آداب و رسوم، اعیاد و مناسک جمعی، عادات، و سرنوشت مشترک دارای هویتی متفاوت و متمایز از دیگر اقوام و گروه‌های اجتماعی می‌داند (برزویی، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

برخال (فراکتال)

فراکتال یا رفتار فراکتالی در واقع رفتاری است که در طبیعت نیز وجود دارد یکی از معانی که برای رفتار فراکتالی قائل می‌شوند «تغییر رفتار» است که البته معنای صحیح‌تر آن تغییر رفتار برای رسیدن به یک تعادل کلی مورد نظر است (کرم، ۱۳۸۹: ۷۲).

برخال در واقع «ساختاری هندسی» است که با تغییر اندازه مشابهت کامل با اندازه اصلی را حفظ می‌نماید. به عنوان مثال اگر یک الماس بزرگ شکسته و خرد شود تکه‌های کوچک به شکل الماس اصلی ظاهر می‌شوند. این مفهوم، استعاره از این است که هر یک از قومیت‌های ایرانی نماد و نشانه ایران بوده و هر یک ویژگی‌های ایرانی را بازتاب می‌دهند.

ویژگی اصلی فراکتال یا برخال‌ها تکرار متوالی یک اصل است. در واقع یک‌شکل فراکتالی، تنها از یک پروسه خیلی ساده بازخورد، به دست می‌آید. هنگامی که یک هندسه‌دان، معادله‌ای را به جای آنکه حل کند تکرار نماید؛ آنگاه معادله به جای یک توصیف، تبدیل به یک فرایند شده و پویا می‌گردد (خاک زند، ۱۳۸۶).

الوان

«لون» به معنی رنگ است و مفهوم «الوان» که در نظریه حاضر مورد توجه قرار گرفته است به مفهوم «رنگارنگ» است. در مفهوم رنگارنگ از یک سو تنوع مدنظر است و از سوی دیگر زیبایی مورد توجه قرار می‌گیرد بنابراین در حوزه مفهوم، صفت اولوانی بودن قومیت در ایران ناظر بر این بحث مهم و محوری است که تنوع قومیت‌ها در ایران در یک ساختاری رنگارنگ و زیبا، سازه‌ای را که موجودیتش به تک تک اجزایش وابسته است؛ تحت عنوان «ایران اسلامی» تشکیل داده است.

وحدت در کثرت

این مفهوم یعنی موجودیتی که در ظاهراً از اجزا و عناصر متکثرتشکیل شده است اما در ساختارشناسی کلان آن وحدت سازه‌ای به نمایش گذاشته شده است. بنابراین مردم ایران از قومیت‌های متکثری تشکیل شده‌اند که یک سازه کل را به نمایش می‌گذارند.

نظریه برخال قومیت

نظریه برخال قومیت تبیینی از «سازه قومیتی» در ایران است و براین اعتقاد تأکید دارد که در ایران هر یک از قومیت‌ها به صورت ذاتی و ماهوی در شکل‌دهی سازه (ایران) نقش اساسی دارند و به این دلیل در ایران، قومیت‌ها ماهیتی، الوانی و برخالی (رنگین‌کمانی) دارند. بنابراین با توجه به این‌که این اجزا نسبت به سازه اصلی ماهیت تعامل مطلق دارند با سازه اصلی نیز قابل تعریف هستند یعنی هم از سازه اصلی موجودیت می‌گیرند و هم به سهم خود به سازه اصلی موجودیت می‌دهند. به تعبیر بهتر «ایران» با قومیت‌هایش رابطه‌ای هستی‌شناختی دارد.

۱. مبانی نظری

نظریه‌های تبیین موضوع قومیت، براساس دانش موجود در سه حوزه: «نظریه‌های کلاسیک»، «نظریه‌های مدرن» و «نظریه‌های پست‌مدرن» در این بخش مفصل‌بندی شده‌اند و سپس دیدگاه مقام معظم رهبری مورد بررسی قرار گرفته است.

۱.۱. نظریه‌های کلاسیک

آثار جامعه‌شناسی کلاسیک نه تنها نظریه‌های روابط قومی منسجمی ارائه کرده‌اند بلکه به خوبی با نظریه عمومی جامعه، هماهنگ است. و تفسیرهای متنوع آن‌ها از قومیت، مسیری برای مباحثات معاصر بیان کرده‌اند. آثار کلاسیک، بذرهایی را پاشیده‌اند که همه نظریه‌های موجود با محوریت جامعه‌شناسی قومیت، از آن‌ها رشد کرده‌اند. نظریه‌های سنتی با تمرکز روی طبقه، فرهنگ و سرمایه‌داری تا حد زیادی مدیون «نظریه قومیت مارکس» می‌باشند؛ کارکردگرایی با تأکید بر همبستگی گروهی و غیر کارکردی بودن پیوندهای قومی در مدرنیته، عمیقاً در دیدگاه پیوندهای قومی «دورکیم» ریشه دارد. تأکید مکتب کنش متقابل نمادین روی ساخت اجتماعی واقعیت قومی

و تعریف اشتراکی از وضعیت قومی در دیدگاه روابط قومی «زیمل» مشهود است. جنبش‌های قومیت به‌عنوان گروه منزلت اجتماعی، تحرک سیاسی و عضویت قومی از طرف «وبر» در هسته «نئووبریسم» معاصر قرار دارد. نظریه نخبگان از وبر و دورکیم با تأکید بر اهمیت نمادها در روابط قومی و از بینش‌های مارکس و وبر مبنی بر قدرت حاکمان برای تحریک سیاسی نشانه‌های قومی از طریق دست‌کاری ایدئولوژیکی گرفته‌شده است. رویکردهای ضد بنیادگرایی نیز به دیدگاه «زیمل» در واقعیت جزئی شده پیوندهای اجتماعی مدرن و به دیدگاه وبر در چندگانگی تشکل‌های قومی سازمان‌دهی اجتماعی، تلاش برای متلاشی‌کردن قومیت و خویشاوندشدن هویت‌های گروهی وام‌دار است و سرانجام حتی توصیف اجتماعی- سیاسی قومیت و خویشاوندی گسترده براساس اعتقاد به تبار مشترک، پیوندهای روشنی با جنبش‌های مشابه «وبر» و «دورکیم دارد»، درحالی‌که نظریه تکاملی توسعه جامعه نیز در بین مارکس و زیمل مشترک است. اکنون باید پیامدهای تبیینی این یادگار کلاسیک برای جامعه‌شناسی معاصر روابط قومی را در جزئیات بیشتری بررسی کنیم (بیات و عشایی، ۱۳۹۸: ۷۵).

۱. ۲. نظریه‌های مدرن

نظریه‌های مدرن قومیت و روابط قومی طیف وسیعی از نظریه‌ها را در بر می‌گیرد. در این طیف از نظریه‌ها، «نظریه نئومارکسیستی»، «نظریه کارکردگرایی»، «نظریه کنش متقابل نمادین» و «نظریه نخبگان قومی» قابل توجه است.

نظریه نئومارکسیسم شامل تحلیل گسترده‌ای می‌شود که بر مبنای آثار کلاسیک مارکسیسم طراحی شده است که به‌طور اساسی با فرضیات کلاسیک، هماهنگ و سازگار است. نظریه نئومارکسیسم روابط قومی تلاش می‌کند تا بر تنزل‌گرایی طبقه‌ای در مارکسیسم کلاسیک و شکست آشکار آن در پیش‌بینی دل‌بستگی‌های قومی از طریق نسبت دادن سطح معینی از استقلال برای فرهنگ به‌طور کلی و روابط قومی به‌طور خاص، غلبه کند. هم‌چنین آن‌ها به دنبال منابع دیگر دشمنی گروه قومی در دنیای معاصر هستند. به‌رحال هر دو روش تحلیل نئومارکسیسم مدیون استدلال‌ها و تحلیل‌های مارکس و پیروان مستقیم او، با اولویت‌دادن به مطالعه سرمایه‌داری و تحلیل عوامل اقتصادی ساختار اجتماعی و کنش اجتماعی، می‌باشد.

مسئله و دغدغه اساسی برای نو مارکسیست‌ها این است که چرا در دنیای معاصر، «قومیت» قدرت بیشتری از طبقه برای همبستگی گروه‌ها دارد؟ در پاسخ به این سؤال که کوشش‌های نظری نو مارکسیست‌ها را شکل داده است دو گرایش ایجاد شده است؛ یکی از این گرایش‌ها عمده تمرکز خود را بر «اقتصاد سیاسی و برابری گروه‌های قومی» معطوف می‌دارد و گرایش دیگر، کانون توجه خود را بر «پیوندهای بین ایدئولوژی، تفاوت‌های فرهنگی و تقسیمات طبقه‌ای» متمرکز می‌نماید. نظریه قومیت کاکس به شدت در مارکسیسم کلاسیک ریشه دارد که طبقه را به قومیت اولویت می‌دهد، و اساس اقتصادی را بر ابرساختار فرهنگی برتری می‌دهد، و ادعاهای هویت قومی و نژادی را به صورت چیزی می‌بیند که توسعه آگاهی پرولتاریا را در پیشرفت جهانی به تأخیر می‌اندازد» (مالشویچ، ۱۳۹۰: ۹۸).

نظریه جامعه متکثر اگرچه از حیث هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی با کارکردگرایی ساختاری هماهنگی دارد، ولی از حیث محتوایی و تمرکز بر قومیت و روابط قومی، چهارچوبی منحصر به فرد دارد و بر این نگرش استوار است که هریک از جوامع متکثر قومی شرایط خاص خود را دارند و بایستی به صورت منحصر به فرد مورد بررسی قرار گیرند. مفروض اصلی کثرت‌گرایی این است که جوامع متکثر محصول دنیای پسااستعماری است که کشورها و جوامعی را با اقوام مختلف کنار هم در ذیل یک دولت-ملت جمع کرده است از این رو این نظریه می‌تواند به عنوان یک نظریه جامع برای تبیین قومیت و روابط قومی برای این جوامع جدید در نظر گرفته شود. از نظر اندیشمندان این نظریه هریک از جوامع پسااستعماری موردی خاص و منحصر به فرد هستند بنابراین هر کدام تبیین جداگانه‌ای را نیاز دارد. یک جامعه متکثر از نظر این مکتب طیفی از موجودیت‌های قومی را در نظر می‌گیرد که تحت سیطره و استیلای یک نظام اقتدار سیاسی و نهادی، زندگی مشترکی دارند.

فارنیوال (۱۹۴۸) جوامع را به دو گونه هنجاری و متکثر طبقه‌بندی می‌کند. جوامع همگون به جوامعی اطلاق می‌شود که تحت انسجام ویژگی‌های همگون و براساس اجماع هنجاری اداره می‌شوند و جوامع متکثر جوامعی هستند که براساس خطوط قومی مشخص تقسیم شده و بر اساس اجبار اداره می‌شوند.

۱.۳. نظریه‌های پست‌مدرنیسم

تحلیل‌های پست‌مدرنیستی از روابط قومی این تحلیل را با استدلال بسط می‌دهد که هویت‌های قومی اکثراً به‌وسیله گفتمان‌های متناقض و به‌وسیله انبوهی از هویت‌های دیگر غیرمتمرکز و چندپاره می‌شوند. بدین ترتیب اجتماع‌های قومی جامعه‌های کاملاً تخیلی هستند که از طریق یک تجربه تاریخی خاص بیان می‌شوند. با این وجود، فرایند ساخت هویت قومی نه تنها به‌وسیله گفتمان‌های کلان تاریخی شکل می‌گیرند بلکه گوناگونی و تناقض‌های گفتمان قومی و نژادی به‌عنوان تشکیل‌دهنده اجتماع به‌طور ویژه‌ای پیچیدگی و احتمال نسبی و آزادی فرایندهایی را که به‌وسیله آن‌ها هویت در اقدامات روزمره ساخته می‌شود برجسته می‌کند.

پست‌مدرنیست‌هایی مانند «بهاها» یا «بومن» این تحلیل را برای گنجاندن نه تنها باستان‌شناسی یا شجره‌نامه گفتمان‌های خاص بسط می‌دهند؛ بلکه مفهوم مبتنی بر روشنفکری از نظم اجتماعی تحت موشکافی دقیق قرار می‌گیرد. آن‌ها برتری‌جویی‌های تمامیت‌خواهی مدرنیته به تلاش و جنبش روشنفکری برای نظم بخشیدن و قانونمند کردن و به این ترتیب برتری یافتن تفاوت فرهنگی نسبت می‌دهند. مفهوم مدرنیته از نظر جنبش روشنفکری یک مفهوم تمامیت‌خواهی ضرورتاً نظام‌مند بود، که هدف آن جذب خودِ جمعی و فردی به همراه غیر بوده است. با این وجود «بهاها» استدلال می‌کند تفاوت فرهنگی همیشه ناقص است و بدین ترتیب در معرض طیفی از انتقال‌های فرهنگی قرار دارد، که به‌طور ذاتی باعث گوناگونی می‌شود. تسلط قومی که در نهایت به صورت تسلط فرهنگی تدوین می‌شود، در یک برتری‌جویی مدرنیستی برای گنجاندن تفاوت فرهنگی شامل «غیر» ریشه دارد؛ اما از آنجاکه خود این فرایند به وجود «غیر» بستگی دارد، هرگز نمی‌تواند موفق باشد. به عبارت دیگر، هر تلاشی برای خلق یک اجتماع قومی محض یک توهم است زیرا مفهوم خودِ قومی تنها در مقابل غیر قومی می‌تواند بیان شود. همه هویت‌ها ترکیب‌هایی متشکل از تغییرهای متفاوت از «مردم» هستند.

ازلحاظ جامعه‌شناختی، «ژئوپلیک» رساترین نظریه روابط قومی از منظر روان‌کاوی را توسعه می‌دهد. ژئوپلیک بر اساس کارهای اولیه «فروید» و براساس درک «لاکان» از ضمیر ناخودآگاه به صورت واکنش من (نفس) به غیر، قومیت را از طریق تشریح علایق و احساسات فرد، آن‌طور که در ابتدا در غیر وجود داشت، تحلیل می‌کند. مفهوم ابراز شادی لاکان که به عنوان لذت تدوین شده است. به عنوان تولیدکننده اصلی کنش فردی و گروهی شناخته می‌شود. ضمیر ناخودآگاه انسان با

لذت متناسب است. با این وجود، از آنجاکه لذت صرفاً خوشحالی نیست بلکه عشق و نفرت را نیز دربرمی‌گیرد، و از آنجاکه همیشه خارج از خود می‌باشد و بنابراین حالت عدم عقلانیت آسیب‌زا خلق می‌کند؛ برای جبران این فقدان همیشگی لذت، فرد تخیلات را می‌سازد. دشمنی گروه قومی، بیگانه‌ستیزی و نژادپرستی، همگی شکل‌هایی از سناریوهای تخیلی هستند که هدفشان جبران این فقدان لذت (برای متناسب کردن آن با مکان) می‌باشد. از طریق این سناریوهای تخیلی فرد نه تنها درد خود را به غیر منتقل می‌کند بلکه این تخیلات نیز به صورت نقابی برای تلاش برای کسب ذات واقعی اما غیرممکن عمل می‌کنند. به‌طور خیلی مختصر، از نظر ژئوپلیک، دشمنی قومی مربوط به سرقت لذت خود می‌باشد. از آنجاکه از دید او اجتماع قومی به وسیله یک باور مشترک به داشتن یک «چیز» مشترک یعنی یک ذات قومی که به وسیله سناریوهای تخیلی فردی و جمعی حمایت می‌شود، به هم پیوند خورده است؛ هر تلاش واقعی یا بالقوه توسط خارجی‌ها به‌عنوان یک تهدید به حساب می‌آید. دشمنی قومی به ادراک‌های متفاوت سازمان‌های جمعی از لذت عادت‌ها خوردن و آشامیدن، رسم‌های تشریفاتی و ... بستگی دارد. غیرها همیشه به‌عنوان تجربه‌کننده مقدار اضافی لذت تصور می‌شوند. از دیدگاه او گروهی قومی مادامی‌که شکل خاص لذتش در اقدامات اجتماعی‌اش حیاتی و وسیع می‌باشد وجود خواهد داشت و به‌طور موفقیت‌آمیز از طریق افسانه‌های قومی که از آن اقدامات نگهداری می‌کند، منتقل می‌شود. درحالی‌که افسانه قومی که عموماً اختراع یا در تخیل ساخته می‌شود موفق بوده است، باید بر چند هسته واقعی و غیر استدلالی (غیر گفتمانی) لذت تکیه کرد.

با این وجود سرقت لذت و بنابراین منازعات قومی صرفاً از تفاوت فرهنگی یا از گروه‌های قومی مجاور به یکدیگر ناشی نمی‌شود؛ بلکه محصول ذات دشمنی درونی در جوامع هستند. هیچ نیازی به حضور فیزیکی و واقعی غیر برای ایجاد دشمنی در عمل وجود ندارد، همان‌طور که عبارت «لندوای» یعنی: «سامی ستیزی بدون یهودیان» به‌خوبی آن را نشان می‌دهد.

دشمنی درون‌گروهی نه تنها به وسیله منتقل شدن به غیر جابه‌جا می‌شود، بلکه از طریق این جابه‌جایی علاقه فرد نیز ساخته می‌شود. ژئوپلیک به پیروی از لاکان استدلال می‌کند اگر لذت‌ها هنگامی‌که مورد توجه قرار گیرد همیشه لذت غیر باشد، آنگاه تنفر ما از لذت غیر نیز تنفر از لذت خودمان محسوب می‌شود. دشمنی قومی بر تضاد بین روش‌های متفاوت لذت قومی یعنی بین سبک‌های متفاوت سازمان‌دهی لذت خود ریشه دارد، اما ناشی از یک دوگانگی می‌باشد؛

درحالی که لذت غیرتهدیدی برای لذت ما می‌باشد، ما نیز شیفته لذت غیر می‌شویم و درمورد آن خیال‌بافی می‌کنیم (بیات و قنبری، ۱۳۹۰: ۱۹۹).

۱. ۴. ۱. اقوام در منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

مقام معظم رهبری هویت ایرانی، اسلامی را دارای ماهیتی یکپارچه دانسته و اجزا و عناصر این کلیت یکپارچه را نیز اقوام ایرانی می‌دانند که در طول تاریخ مقوم هویت ایرانی بوده است ازاین‌رو از منظر ایشان، اقوام ایرانی دارای ویژگی‌های خاصی هستند که درمجموع بنیان اقتدار و قدرت ملی را برای نظام فراهم می‌آورند.

در ادامه به شرح هشت ویژگی «فرصت محوری»، «نفی تهدیدنگری»، «نفی تبعیض»، «مشارکت امنیتی»، «همزیستی بین قومی»، «دل‌بستگی و همبستگی بین قومی»، «مقاومت و ایثار» و «ارزش‌مداری»، از منظر مقام معظم رهبری می‌پردازیم.

۱. ۴. ۱. ۱. فرصت محوری

نگرش مثبت و فرصت‌محور به اقوام ایرانی در مقابل نگرش ابزارگرایانه و منفی به اقوام از اصول بنیادین اندیشه مقام معظم رهبری می‌باشد که در نظر ایشان این نگرش به ذات و ماهیت ایران اسلامی و جایگاه اصیل اقوام ایرانی در آن باز می‌گردد. مقام معظم رهبری بر فرصت‌بودن اقوام در ایران تأکید جدی دارند از نظر ایشان؛ «اکثر کشورهای دنیا با مقوله تنوع اقوام مواجه هستند و معمولاً در کشورهای مختلف تعدد اقوام و قومیت‌ها یکی از نگرانی‌های آن‌هاست؛ در کشور ما به‌عکس است، تنوع اقوام را ما برای کشورمان یک فرصت به حساب می‌آوریم، حقیقتاً برای ما تنوع اقوام یک فرصت است» (دیدار با در دیدار برگزیدگان استان کردستان؛ ۱۳۸۸/۲/۲۴).

مقام معظم رهبری علت فرصت‌انگاری اقوام را در نگاه اسلام به اقوام دانسته و معتقد هستند؛ «سنت‌های مختلف، آداب و عادات مختلف و استعداد‌های گوناگون و متنوع، یک فرصت است که اجزای گوناگون این ملت بتوانند یکدیگر را تکمیل کنند؛ با مرادوات درست و باهم‌زیستی و اتحاد کامل. برای ملت ما این یک افتخار است که چنین نگاهی به مسئله تنوع اقوام دارد. علت هم این است که اسلام منبع الهام این نظام است و در این نگاه اسلامی، بین نژادهای مختلف و زبان‌های مختلف، ولو از ملت‌های گوناگون، تفاوتی نیست؛ چه رسد به اقوام مختلف در میان یک ملت.

نگاه اسلام این است و نگاه نظام اسلامی هم این است. لذا ما به منطقه کردی، استان کردستان و مناطق اقوام دیگر با نگاه اسلامی نگاه می‌کنیم» (دیدار مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج، ۱۳۸۸/۲/۲۲).

۱.۴.۲. نفی تهدیدنگری

مقام معظم رهبری نگرش تهدیدمحور به اقوام را به‌صراحت نفی کرده‌اند و اعتقاد دارند که اقوام ایرانی را نبایستی به‌واسطه عملکرد برخی گروه‌های قومی که با نظام ضدیت دارند مورد ارزیابی قرار داد چراکه حساب کلیت اقوام ایرانی از حساب این گروه‌ها جدا می‌باشد.

رهبر معظم انقلاب در دیدار با مردم سقز به این تفکیک اقوام از اشرار تأکید می‌کنند: «به عموم ملت ایران از اقوام گوناگون هم بگویم، مبدا به‌اشتباه بیفتند. مبدا رفتار گروه‌های اندک‌شمار که پنجه به چهره انقلاب و جمهوری اسلامی می‌زدند، به حساب این مردم عزیز، این جمعیت انبوه و این دل‌های وفادار نوشته بشود. تعداد معدودی انسان‌های شریر یا فریب‌خورده که در هر نقطه‌ای پیدا می‌شوند؛ در کردستان و در غیر کردستان، حساب این‌ها از حساب متن مردم عزیز این استان به کلی جداست (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم سقز؛ ۱۳۸۸/۲/۲۹). وجود گروه «پیشمرگان کرد مسلمان» یکی از مصادیقی است که ایشان در اثبات این مطلب بیان می‌کنند: «در همان دورانی که در این جا و جاهای دیگر، یک عده ایادی بیگانه به نام مردم کُرد حرف‌هایی می‌زدند که مردم کُرد روحشان از آن حرف‌ها خبر نداشت، آن روزی که در این استان و استان‌های هم‌جوار، دست‌های شیطنت‌آمیز دشمنان به فکر فتنه و برادرکشی بودند، خود مردم این استان در صفوف مقدم قرار گرفتند؛ یاد مجموعه رشید و پرافتخار پیشمرگان کُرد مسلمان هرگز از خاطره آن‌کسانی که مجاهدات آن‌ها را دیدند، نخواهد رفت (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج؛ ۱۳۸۸/۲/۲۲).

۱.۴.۳. نفی تبعیض

ایشان در خصوص نداشتن تبعیض بیان می‌دارند: «نظام جمهوری اسلامی مطلقاً با نگاه تبعیض‌آمیز نگاه نمی‌کند؛ نه به کردستان و نه به هر نقطه دیگری در سرتاسر کشور. ... نگاه نظام جمهوری اسلامی به تنوع قومی و تنوع مذهبی مطلقاً نگاه تعصب‌آمیز، قوم‌گرا و یک‌جانبه‌نگر نیست. این را

به‌طور قاطع من اعلام می‌کنم؛ نه امروز هست، که من از نیت خودم و دل خودم حرف می‌زنم، نه در طول زمان‌های گذشته در دهه ۶۰، زمان حیات مبارک حضرت امام (ره) چنین چیزی نبوده (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار برگزیدگان استان کردستان؛ ۱۳۸۸/۲/۲۴).

۱. ۴. ۴. مشارکت دادن اقوام در امنیت

نقش اقوام ایرانی در تأمین امنیت به‌دلیل قرارگرفتن اقوام در جدار مرزها و در خط مقدم دفاع بودن از ویژگی‌های بارز اقوام در ساختار ایران بوده است. رهبر انقلاب اعتقاد دارند: «خدا را سپاس‌گزاریم که مردم کُرد و استان کردستان با عمل خود، با حرکت خود، با حضور پر شرافت خود، به دشمنان ملت ایران نشان دادند که ترفندهای دشمنان در تکه‌تکه کردن ملت ایران و اقوام ایرانی، به‌وسیله مردم کُرد، خنثی شد؛ این یک نکته بسیار اساسی است. من لازم می‌دانم از همه گروه‌های مردمی در این آخرین ساعاتی که در این استان هستم، صمیمانه تشکر کنم، بگویم شما نقش خود را به‌خوبی ایفا کردید. من در همین‌جا باید یاد جوانان دلاور پیشمرگان مسلمان کُرد را گرامی بدارم. این مردان دلاور از جوان و پیر که از روزهای اول و سال‌های اول پیروزی انقلاب، اینجا قیام کردند و در مقابل دشمن ایستادند. دلیلش را عرض بکنم؛ چون سخن به‌گزارف نمی‌خواهیم بگوییم. حقیقت قضیه این است که برادر بسیجی یا پاسدار در هر نقطه‌ای، در هر استانی، در چشم مردم با یک عظمتی موردتوجه قرار می‌گیرد؛ مردم در سایه امنیت او احساس امنیت می‌کنند. جوان پیشمرگ مسلمان کُرد در این نقطه و به‌خصوص در مناطق نزدیک مرز، درحالی‌که خود حافظ امنیت کوچه و بازار و شهر و بیابان بود، دشمنان از او انتقام می‌گرفتند؛ گروه‌های مسلح مزدور دشمن به انتقام رشادت‌های این جوانان، حتی گاهی خانواده‌های آن‌ها را از دم تیغ بی‌رحمانه جنایات خودشان گذرانده‌اند، اما این مردان شجاع در مقابل این مشکلات ایستادند و صبر کردند؛ لذاست که من از صمیم قلب معتقدم که جوانان دلاور پیشمرگان مسلمان کُرد، در شمار اول و در صف مقدم دلاوران این کشور قرار دارند (بیانات در دیدار مردم سقز، ۱۳۸۸/۰۲/۲۹).

۱. ۴. ۵. همزیستی بین قومی

از ویژگی‌های قابل‌توجه در روابط قومی در ایران از منظر مقام معظم رهبری همزیستی برادرانه بین اقوام ایرانی است که در نتیجه آن انسجام ملی تقویت می‌گردد. ایشان اعتقاد دارند که «درباره این

همزیستی که میان برادران و خواهران اقوام مختلف هست، بگویم که برای من بسیار اعجاب‌انگیز و تحسین‌برانگیز است. در این استان، تُرک و کُرد و شیعه و سُنّی، در کنار هم با مهربانی زندگی می‌کنند؛ این چیز بسیار با ارزشی است (بیانات در جمع مردم ارومیه ۱۳۷۵/۰۶/۲۷).

۱. ۴. ۶. دل‌بستگی، همبستگی و وحدت بین قومی

اقوام ایرانی به خاطر این‌که ایران را موطن اصلی خود به حساب می‌آورند براین اساس نسبت به کشور و نظام اسلامی علاقه‌مند و دل‌بسته هستند. به نظر رهبر انقلاب؛ «یکی از امتیازات کشور ما، تنوع اقوام و قومیت‌ها و مانند این‌هاست؛ و الحمدلله همه هم همین‌جورند، یعنی انسان وقتی نگاه می‌کند، اقوام مختلف ایرانی با یکدیگر همبستگی و ارتباط و اتصال به معنای واقعی دارند؛ در طول تاریخ هم همین‌جور بوده، زمان ما هم بحمدالله به‌طور کامل همین‌جور است. خب، هر قومی خصوصیاتِی دارند (بیانات رهبری در دیدار اعضای همایش نكوداشت شیرعلیمردان‌خان بختیاری، ۱۳۹۲/۱۲/۲۶).

۱. ۴. ۷. ایستادگی اقوام در پشت انقلاب

اقوام ایرانی هریک به‌نوعی نشان داده‌اند که نسبت به انقلاب اسلامی، حساس بوده و در مقابل هرگونه تهدید نسبت به انقلاب ایستادگی و مقاومت از خود نشان داده‌اند.

بنابر بیانات مقام معظم رهبری: «در همان اولین ماه‌های پیروزی انقلاب، مسئله تحریک قومیت‌ها در سرتاسر کشور بود. خب، کشور ما کشور قومیت‌های متنوع است؛ سعی کردند این قومیت‌ها را به جان هم بیندازند. در همین منطقه شما، یک عده کمونیست بی‌اعتقاد به دین و وطن، سعی کردند اقوام مؤمن و نجیب ترکمن را با مجموعه انقلاب مخالف کنند. چه کسی در مقابل این‌ها ایستاد؟ در درجه اول، خود عناصر مؤمن ترکمن در مقابلشان ایستادند. علمای بانفوذ ترکمن، که بعضی از دنیا رفته‌اند، بعضی هم بحمدالله زنده هستند، خودشان در مقابل این‌ها ایستادند. جوان‌های سایر مناطق کشور هم، هم در اینجا، هم در مناطق گوناگون دیگر، رفتند ایستادگی کردند؛ تحریک می‌کردند، آتش را روشن می‌کردند، روی آتش نفت می‌ریختند، از طُرق مختلف سعی می‌کردند آتش را گسترده کنند؛ اما به‌دست ملت ایران و عمدتاً به‌دست خود آن‌کسانی که می‌خواستند آن‌ها را در مقابل انقلاب اسلامی قرار بدهند، آتش خاموش شد. در منطقه کردستان هم خودِ کُردها، پیشمرگان مسلمان کُرد و علمای مؤمن کُرد، پیش‌قدم بودند. مناطق دیگر هم همین‌جور. این مشکل اولی بود که پیش آوردند، بعد جنگ تحمیلی را راه انداختند؛

هشت سال جنگ، شوخی است؟ خواستند انقلاب را از پا دریاورند، به‌زانو دریاورند؛ نتوانستند. ملت از این مرحله نیز عبور کرد» (بیانات در اجتماع مردم بجنورد، ۱۳۹۱/۰۷/۱۹).

۱. ۴. ۸. تکریم ارزش‌ها و رسوم قومی

اقوام ایرانی هریک دارای ارزش‌ها و هنجارهای خاص خود بوده که نشانه هویتی آن‌ها می‌باشد. رسوم و هنجارهای قومی برای هر قومی دارای کارکردهای متعددی است؛ بنابراین احترام به این رسوم و ارزش‌ها و عدم اهانت به آن‌ها خط قرمز نظام به حساب می‌آید. رهبر معظم انقلاب با «اعلام حرمت تقلید لهجه قومیت‌ها در صورت تمسخر لهجه»، به ریشه‌یابی این نقشه استعمار می‌پردازد؛ «غالب این شهرهایی که لهجه‌های آن‌ها تقلید می‌شود، شهرهایی هستند که دارای مردم غیرتمندی هستند که در حوادث مهم صدسال پیش در مقابل دشمنان و مهاجمین ایستاده‌اند. این تصادفی نیست؛ این تقلید هم سابقه ندارد؛ یعنی در هیچ‌یک از این کتاب‌های ادبی و طنز و غیره ما ندیدیم که یک حرفی باشد که نشان‌دهنده تقلید لهجه باشد. این مال همین اواخر است؛ یعنی مثلاً از صدسال پیش به این طرف؛ یعنی از وقتی که کشور ما در مواجهه با این دشمنی‌ها قرار گرفته، یکی از مناطقی که ایستادگی سرسخت کرده، مناطق شمال است؛ منطقه گیلان. یکی از مناطق، منطقه خراسان است؛ یکی از مناطق، مناطق آذربایجان است؛ این‌ها آن جاهایی هستند که مردمش سرسختی و سلحشوری نشان دادند (بیانات رهبر معظم انقلاب در جلسه درس خارج فقه درباره تقلید لهجه قومیت‌ها، ۱۳۸۹/۱/۳۱).

۲. ارائه نظریه برخال قومیت

۲. ۱. هستی‌شناسی

در نظریه برخال قومیت، ماهیت وجودی قومیت‌ها در ایران، ماهیتی ذاتی دارند نه عرضی. یعنی هریک از قومیت‌ها بخشی از وجود ایران را شکل می‌دهند یعنی در شکل‌گیری آن نقش ذاتی داشته و دارند. با این تعبیر از حیث هستی‌شناختی، قومیت‌ها در ایران از یک‌سو در انگاره «واقعیت اجتماعی» قرار می‌گیرند؛ که بر واقعیت بیرونی و مستقل از ذهن انسان تأکید دارد. و همچنین از سوی دیگر واقعیتی پدیدارشناختی و ذاتاً ذهنی دارند.

۲.۲. معرفت‌شناسی

این بنیان‌فرانظری بر ماهیت کسب دانش نسبت به پدیده موردنظر نظریه ناظر است. از این‌رو در این نظریه معرفت‌شناسی «استرجاعی» بنیان کسب دانش را تشکیل می‌دهد که بر شناخت‌شناسی تأکید دارد که بر ارجاع مستمر و ماریجی بین ذهن و عین با هدف رسیدن به پس پشت پدیده‌ها تمرکز دارد بر این اساس بنیان معرفت‌شناختی در نظریه برخال قومیت بر شناخت‌شناسی اثباتی و پدیدارشناختی به صورت متوالی و ارجاعی تأکید می‌گردد.

۲.۳. روش‌شناسی

در این بنیان بر روش‌هایی که در نظریه برای بررسی پدیده موردنظر تناسب و ضرورت دارد، تمرکز داده می‌شود. بنابراین با توجه به ماهیت هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی نظریه برخال قومیت، از حیث روش‌شناختی بر روش‌شناسی «آمیخته متوالی» تأکید می‌شود که روش‌های کمی و کیفی را توأمان برای بررسی قومیت به کار می‌گیرد.

۲.۴. اصول اساسی نظریه برخال قومیت

نظریه برخال قومیت در ایران با توجه به مبانی فرانظری آن بر ده اصل اساسی سازمان‌دهی شده است

۲.۴.۱. وحدت در کثرت

در این نظریه این اصل اساسی مفروض است که قومیت‌ها در ایران به‌رغم کثرت، در اصل با توجه به ویژگی‌های ویژه خود در یک سازه‌ای به‌عنوان «ایران» وحدت یافته‌اند.

۲.۴.۲. خودهماندی

این اصل بر این واقعیت اشاره دارد که هریک از قومیت‌ها به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده ایران، همانندی بی‌نظیری با آن دارند؛ به تعبیری هریک از قومیت‌ها در ویژگی‌های اصلی بازتاب‌دهنده عنصر ایرانی هستند.

۲.۴.۳. هم‌زمانی تکامل

این اصل به عدم گسست بین قومیت‌ها به‌عنوان اجزای تشکیل‌دهنده سازه ایران از حیث تکامل به‌صورت هم‌زمان حرکت تکاملی خود را تداوم می‌بخشند و این امر در حالی است که به‌واسطه نوع پراکنش جغرافیایی اقوام در ایران، این امر ممکن است بعید به نظر برسد اما واقعیت دارد.

۲.۴.۴. جایگزینی

این اصل بر قابلیت کنش هریک از اقوام در سازه کلان و در صورت ضرورت در موقعیت‌های مختلف اشاره دارد. به‌عنوان مثال، موسیقی لری به‌عنوان یک دارایی فرهنگی ایرانی قابلیت جایگزینی با موسیقی آذری به‌عنوان فرهنگ ایرانی را دارد یعنی هر دو به‌رغم تفاوت در اجزا و عناصر و خاستگاه در معرفی ایران فرهنگی قابل جایگزین شدن هستند.

۲.۴.۵. قوانین ساده‌بنیاد

این اصل براین واقعیت اشاره دارد که قومیت و روابط قومی در ایران از اصل سادگی و شفافیت پیروی می‌نماید. به‌همین جهت است که هریک از قومیت‌ها در فرهنگ ایرانی به‌عنوان نماد صراحت، شفافیت و دوری از پیچیدگی معرفی می‌شوند.

۲.۴.۶. تداوم و استمرار

این اصل بر این واقعیت توجه دارد که در ایران برخلاف بسیاری از کشورهای دیگر، قومیت‌ها ریشه در تاریخ ایران داشته و موقتی نیستند که به‌عنوان مثال به‌واسطه سیاست‌های استعماری به‌وجود آمده باشند.

۲.۴.۷. پویایی و تاریخ‌مندی

تداوم و استمرار در قومیت‌ها اصل پویایی را ایجاب می‌کند که به پویایی قومیت‌ها در طول تاریخ از گذشته تا آینده اشاره دارد.

۲.۴.۸. حافظه‌مندی

اصل حافظه‌مندی اقوام بر این امر اشاره دارد که پویایی و تاریخ‌مندی اقوام ایرانی دارای حافظه‌ای است که در آن تاریخ قومی با تاریخ ایرانی باهم ممزوج شده‌اند که هم‌زمان نمایش‌دهنده قومیت و ایرانیت می‌باشد.

۲.۴.۹. همزیستی

این اصل بر همزیستی همراه با تعامل اقوام به‌صورت کلی در ایران اشاره دارد و این امر در زمانی برجسته می‌شود که در برخی از برهه‌های زمانی، برخی سیاست‌های نسنجیده سیاسی و فرهنگی که می‌توانست به تعارضات قومی شدید منجر شود، ولی با نگرش سابقه همزیستی مسالمت‌آمیز به تهدید جدی تبدیل نشده است.

۲.۴.۱۰. نظم آشوبناک

این اصل بر این واقعیت اشاره دارد که روابط بین قومی در ایران، ظاهری آشوبناک دارد به‌عنوان مثال استقرار هریک از قومیت‌ها در بخشی از مناطق ایران (عمدتاً مناطق مرزی با تداوم برون‌مرزی) در ظاهر تصویری از جدایی و واگرایی را به نمایش می‌گذارد اما در همین حال نمایان‌کننده نقاط عطف منظمی در این آشوبناکی است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- اتابکی، تورج (۱۳۸۴). تنوع قومی و تمامیت ارضی ایران، سازگاری داخلی و مخاطرات منطقه‌ای، فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو شماره ۴۳.
- احمدی، حمید (۱۳۷۸). قومیت و قوم‌گرایی در ایران، افسانه و واقعیت، تهران: نشر نی.
- احمدی، حمید (۱۳۸۰). مجموعه مقالات همایش تاریخی و ادبی فراق، تهران: موسسه فرهنگی اردن.
- اخباری، محمد و نامی، محمدحسین (۱۳۸۹). جغرافیای مرز با تأکید بر مرزهای ایران، تهران سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۷). ظرفیت طبیعی امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره دوم
- امام‌جمعه‌زاده، سید جواد و مهدیات، حسین (۱۳۹۳). شکاف‌های قومی - مذهبی مؤثر بر امنیت ملی ایران، فصلنامه انجمن جغرافیای ایران، شماره ۳
- امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۷۷). قومیت و امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره دوم
- برتون، رولان (۱۳۸۷). قوم‌شناسی سیاسی، ترجمه ناصر فکوهی، تهران، نشر نی
- برزویی، مجتبی (۱۳۸۹). اوضاع سیاسی کردستان از ۱۲۵۸-۱۳۲۵، تهران: فکر نو
- بصیری، محمدعلی (۱۳۸۰). تحولات مفهوم امنیت ملی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۶۳ و ۱۶۴
- پیشگاهی فرد، زهرا و امیدوی آوج، مریم (۱۳۸۸). تحلیل ژئوپلیتیکی قومیت‌ها در ایران، فصلنامه جغرافیای انسانی، دانشگاه آزاد گرمسار، سال اول، شماره سوم
- ترابی، علیرضا (۱۳۹۰). تبیین منازعات قومی بر اساس تئوری‌های مداخله، به نقل از سایت تخصصی جنگ نرم
- ترابی، یوسف و یوسف‌علی، مجیدی (۱۳۹۳). مدیریت شکاف‌های قومی در کردستان جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۱، زمستان.
- چلبی، مسعود (۱۳۶۷). هویت‌های قومی و رابطه آن با هویت جامعه‌ای در ایران، وزارت کشور، دفتر امور اجتماعی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی نظم، تهران، نشر اطلاعات
- حق‌پناه، جعفر (۱۳۷۷). جامعه مدنی و قومیت‌ها در ج. ا. ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره دوم،
- خاک‌زند، مهدی و احمدی، امیراحمد (۱۳۸۶). نگاهی اجمالی به رویکرد میان طبیعت و معماری، دوفصلنامه باغ‌نظر، شماره ۸
- خسروی، مرتضی (۱۳۷۱). الزامات فرهنگ سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، ماهنامه اطلاعات راهبردی، شماره ۳۹
- خلیلی، رضا (۱۳۸۱). مهاجرت نخبگان، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره
- دژم‌خوی، صادق (۱۳۸۰). گرایش‌های قومی در تبریز، اداره کل ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی.

- دلاور، علی (۱۳۷۸). *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، چاپ سوم، تهران: انتشارات رشد
- دیکنز، پیتر (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی شهری*، ترجمه حسین بهروان، انتشارات آستان قدس رضوی
- ذوعلم، علی (۱۳۸۴). *تأملی بر مفهوم چالش*، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، شماره ۳۶
- راش، مایکل (۱۳۷۷). *جامعه و سیاست*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت
- رمضان زاده، عبدالله (۱۳۷۶). *توسعه و چالش‌های قومی*، مجموعه مقالات همایش توسعه و امنیت عمومی، وزارت کشور.
- کرم، امیر (۱۳۸۹). *نظریه آشوب، فراکتال برخال و سیستم‌های غیرخطی در ژئومورفولوژی*، فصلنامه جغرافیای طبیعی، سال سوم، شماره ۸
- کوزر، لوییس (۱۳۸۰). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: سخن
- گالبرایت، جان (۱۳۸۲). *فرهنگ وضعیت‌طلبی*، ترجمه سعید ساری اصلانی، تهران: نشر نی
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی قومی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی
- ماتیل، (۱۳۸۳). *خاورمیانه، دایره المعارف ناسیونالیسم*، ترجمه: زیر نظر کامران فانی و محبوبه مهاجر، تهران: کتابخانه تخصصی وزارت خارجه.
- مطلبی، مسعود (۱۳۸۷). *جغرافیای سیاسی اقوام ایرانی*، ماهنامه زمانه، سال هفتم شماره ۷۹
- مظلوم‌خراسانی، محمد؛ عظیمی هاشمی، مژگان (۱۳۸۹). *تحلیل فازی رابطه توسعه اقتصادی، سیاسی و نابرابری‌های درآمدی در ایران*، مجله تحلیل اجتماعی، نظم و نابرابری اجتماعی، شماره ۵۹، تهران دانشگاه شهید بهشتی
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰). *تحولات قومی در ایران: علل و زمینه‌ها*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی
- میرمحمدی، امین (۱۳۸۱). *گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی
- نش، کیت (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر*، جهانی‌شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز تهران: نشر کویر
- نوبدنیا، منیژه (۱۳۸۱). *امنیت اجتماعی: روایتی جامع*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- یوسفی زاده، محمدعلی (۱۳۷۴). *طبقه‌بندی فرهنگی اقوام ایرانی*، سلسله سخنرانی‌های گروه مطالعات قومی و ملی، نشست اول و دوم، مرکز پژوهش‌های بنیادی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ب) منابع انگلیسی

- Berton.raymond (1988) “ from ethnic to civil nationalism “. ethnic and racial studies. No 1
- Brass, Paul. (1998)."Ethnicity and Nationalism: theory and Comparison, London
- Brown. Michel.ed (1993). ethnic conflict and international security. Princeton university press
- E.C.stewart& M.J Bennett. (1991), American cultural patterns: A cross-cultural perspective.
- F.E.Jandt, (1995), Intercultural communication: An Introduction.
- Fred Warren, Riggs(1964) the ecology of public administration, New Geography, Translated by: Tavalae Simin & Soleimani Mohammad, Institute
- Guralink.David. (1982). webester s New Dictionery. New york: simon and Schuster.
- Horowitz. Donald L (1992). ethnic groups in conflict. Berekeley: university of California press
- Huntington, Samuel (1991); Political Ordler, Translation o Persian by: Mohsen..
- Janpervar, Mohsen (2010), Conver gence & Divergence in Afghanistan, number
- John Hatchinson and Anthony Smith (1996), London, oxford University Press
- Mojtahedzadeh, Pirouz (2000), Geopolitic ideas & Iranian Realities, ney of Culture, Art and communication.
- publication [in Persian
- Skocpol, theda (1982)m Rantier State and shia islam in the Iranian Revolution m Theory and society.vol 11.
- Smith.anthony D (1993)." the ethnic sources of Nationalisa “. Princeton university press.

